

مجموعه کتاب‌های امتحانی

فیال

امتحان نهایی



پایه

نظام جدید

final

فارسی

مؤلف: ناهید یوسف‌زاده



انتشارات مشاوران آموزش

ناشر تخصصی عمومی و علوم انسانی

قلمرو زبان

تمرین ۱

۱- واژه «صحیفه» را از نظر کارکرد معنایی بررسی کنید.

✓ اسم، جمع آن صُحُف، به معنی نامه، کتاب، نوشته، رساله، دفتر، مصحف، ورق کاغذ (روی زمین، پوست روی مردم)

تمرین ۲

۲- متن درس را از نظر «حذف فعل» بررسی کنید و نوع حذف‌ها را بنویسید

✓ الف) چه چیز تازه‌ای برای نوشتن: (مانده است) حذف به قرینه لفظی
✓ ب) من از آن تو: (هستم) حذف به قرینه معنوی

قلمرو ادب

تمرین ۱

۱- در متن درس، دو نمونه آرایه «تشخیص» بیابید

✓ الف) عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند.
✓ ب) دست زمان

تمرین ۲

۲- در متن درس، نمونه‌ای از استفهام انکاری مشخص کنید.

✓ الف) آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند بنگارد / اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟
✓ ب) چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است؟ یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن؟ / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟

قلمرو فکری

تمرین ۱

۱- شکسپیر برای عشق جاودانی، چه ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد؟

✓ الف) صادق بودن در راه عشق
✓ ب) اتحاد و یکی شدن عاشق و معشوق (محو شدن در وجود معبود)
✓ پ) همواره جوان و زیبا دیدن معشوق و بی‌توجهی به ضعف و پیری و به طور کلی ظاهر معشوق
✓ ت) همواره عشق ازلی و واقعی را موضوع اصلی سخن خود قرار دهد.

آزمون شماره ۱ - سطح متوسط [درس هجدهم]

بارم

نمره ۷

الف) قلمرو زبانی

۰/۲۵	۱. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
۰/۲۵	الف) آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد، که قلم بتواند آن را بنگارد.
۰/۲۵	ب) که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟
۰/۲۵	پ) اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟
۰/۲۵	ت) بلکه همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می‌گرداند.
۰/۲۵	ث) وقتی ترس و ناراحتی من فرو نشست و خاطرم تسکین یافت، تازه متوجه شدم که معلم لباس ژنده معمول هر روز را بر تن ندارد
۰/۲۵	ج) آن را بر روی زانوی خویش گشوده بود و از پس عینک درشت و ستبر به حروف و خطوط آن می‌نگریست.
۰/۲۵	۲. در جملات زیر غلط‌های املائی را پیدا کرده شکل صحیح آن‌ها را بنویسید.
۰/۲۵	الف) نهالی چند که وی در هنگام ورود خویش در باغ غرض کرده بود، اکنون درختانی تناور شده بودند.
۰/۲۵	ب) چه اندوه جان‌کاه و مسیبت سختی بود که اکنون این مرد می‌بایست تمام این اشیای عزیز را ترک کند و نه تنها حیاط مدرسه بلکه خاک وطن را نیز وداع ابدی گوید.
۰/۲۵	پ) چون درس به پایان آمد، نوبت تهریر و کتابت رسید. معلم برای ما سرمشق‌هایی تازه انتخاب کرده بود که بر بالای آنها عبارت «میهن، سرزمین نیاکان، زبان ملی» به چشم می‌خورد.
۰/۲۵	ت) بر بام مدرسه کبوتران آهسته می‌خواندند و من در حالی که گوش به طرنم آنها می‌دادم، پیش خود اندیشه می‌کردم که آیا اینها را نیز مجبور خواهند کرد که سرود خود را به زبان بیگانه بخوانند؟
۰/۲۵	ث) زیرا وقتی قومی به اسارت دشمن درآید و مغلوب و مغهور بیگانه گردد، تا وقتی که زبان خویش را همچنان حفظ کند، همچون کسی است که کلید زندان خویش را در دست داشته باشد.
۰/۲۵	ج) راضی بودم تمام هستی خود را بدهم تا بتوانم با صدای رصا و بیان روشن درس دستور را که بدان دشواری بود، از بر بخوانم اما در همان لحظه اول درماندم و نتوانستم جوابی بدهم و حتی جرئت نکردم سر بردارم و به چشم معلم نگاه کنم.
۰/۲۵	۳. با توجه به متون زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.
۰/۲۵	الف) در همین لحظه، صدای شیپور سربازان بیگانه نیز که از مشق و تمرین باز می‌گشتند، در کوچه طنین افکند
۰/۲۵	• چه نوع رابطه معنایی بین (مشق و تمرین) وجود دارد؟
۰/۲۵	ب) یکی از مردان معمر دهکده کتاب را بر روی زانوی خود گشوده بود.
۰/۲۵	• برای واژه مشخص شده یک واژه با رابطه معنایی (ترادف) بنویسید.
۰/۲۵	پ) معلم با همان چوب رعب‌انگیز که همواره در دست داشت، در اتاق درس قدم می‌زد.
۰/۲۵	• طبق الگوی (اسم + بن فعل) یک صفت مرکب بنویسید.
۰/۵	۴. نوع «و» را در متون زیر تعیین کنید.
۰/۵	الف) با لطف و نرمی گفت: «زود سرجایت بنشین؛ نزدیک بود درس را بی‌حضور تو شروع کنیم.»
۰/۵	ب) پیداست که تا چه حد از چنین کاری بیم داشتم و تا چه اندازه از آن شرم می‌بردم.
۰/۵	۵. در عبارت زیر، معنی واژه مشخص شده را بنویسید.
۰/۵	«هنگامی که من از این احوال غرق حیرت بودم، معلم را دیدم که بر کرسی خویش نشست.»
۰/۵	۶. از متن زیر یک واژه مخفف پیدا کرده و کامل آن را بنویسید.
۰/۵	«شاگردان در کار خط و مشق خویش سعی می‌کردند و تا چه حد در سکوت و خموشی فرو رفته بودند. بر بام مدرسه کبوتران آهسته می‌خواندند و من در حالی که گوش به ترنم آنها می‌دادم، پیش خود اندیشه می‌کردم که آیا اینها را نیز مجبور خواهند کرد که سرود خود را به زبان بیگانه بخوانند؟»

۰/۲۵	۸. تعداد ترکیب‌ها را در عبارت زیر بنویسید. «همان‌جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند.»
۰/۲۵	۹. در سرودهٔ زیر «نهاد» هردو جمله چیست؟ «نه توجّهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد / و نه اهمّیتی به چین و شکن‌های ناگزیر سالخوردگی می‌دهد.»
۰/۵	۱۰. با توجه به عبارت زیر، نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید. پیرمردی که کتاب الفبای کهنه‌ای همراه داشت، آن را بر روی زانوی خویش گشوده بود و از پس عینک درشت و ستبر به حروف و خطوط آن می‌نگریست.
۰/۲۵	۱۱. مسند را در سروده زیر تعیین کنید. «هر روز باید ذکری واحد را مکرّر بخوانم / و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم»
۵ نمره	ب) قلمرو ادبی
۰/۵	۱۲. در متن زیر، دو آرایهٔ ادبی مشخص کنید و آن‌ها را بررسی نمایید. الف) آیا چیزی در مخیّلهٔ آدمی می‌گنجد، که قلم بتواند آن را بنگارد. ب) اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟
۰/۵	۱۳. در متن زیر آرایهٔ واژهٔ مشخص شده را بنویسید. «لیکن معلّم، بی‌آنکه خشمگین و ناراحت شود، از سر مهر نظری بر من انداخت و با لطف و نرمی گفت: «زود سرچایت بنشین؛ نزدیک بود درس را بی‌حضور تو شروع کنیم.»
۰/۵ ۰/۵	۱۴. در متن زیر دو آرایهٔ ادبی را مشخص کنید. «هنگامی که من از این احوال غرق حیرت بودم، معلّم را دیدم که بر کرسی خویش نشست و سپس با همان صدای گرم اما سخت، که هنگام ورود با من سخن گفته بود.»
۰/۵	۱۵. در متن زیر یک تشبیه مشخص کنید. «کتاب‌هایی که تا همین دقیقه در نظر من سنگین و ملال‌انگیز می‌نمود، دستور زبان و تاریخی که تا این زمان به سختی حاضر بودم به آنها نگاه کنم، اکنون برای من در حکم دوستان کهنی بودند که ترک آنها و جدایی از آنها به سختی ناراحت و متأثرم می‌کرد.»
۰/۵	۱۶. با توجه به متن زیر یک آرایهٔ «مجاز» بنویسید. «با نگاه‌های خیره و ثابت، پیرامون خود را می‌نگرد؛ تو گفتی می‌خواست تصویر تمام اشیای مدرسه را که در واقع خانه و مسکن او نیز بود، در دل خویش نگاه دارد.»
۰/۲۵	۱۷. آرایهٔ واژهٔ مشخص شدهٔ زیر را بنویسید. «همان‌جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند.»
۰/۵	۱۸. متن زیر درای چه آرایهٔ ادبی است؟ «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است؟ یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن؟/ که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»
۰/۵	۱۹. در متن زیر یک کنایه‌ها را یافته و مفهوم آن را بنویسید. «- بی‌آنکه در آنجا توقفی کنم - با خود اندیشیدم که «باز برای ما چه خوابی دیده اند؟» آن‌گاه سر خویش گرفتم و راه مدرسه در پیش و با شتاب تمام، خود را به مدرسه رساندم.»
۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵	۲۰. در هریک از سطرهای زیر یک آرایهٔ ادبی جستجو کرده و بنویسید. الف) و نه توجّهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد. ب) و نه اهمّیتی به چین و شکن‌های ناگزیر سالخوردگی می‌دهد. پ) بلکه همواره عشق قدیم را موضوع صحیفهٔ شعر خود می‌گرداند.

۱۹. الف) شادی تو مهمترین عامل ادامهٔ حیات من است. / ب) ترک بلند پروازی و عدم درک انسان از جهان بی پایان. / پ) در همه حال پویا هستم / ت) کنار گذاشتن بلند پروازی و محدودیت انسان از درک جهان بی پایان.

پاسخنامه تشریحی سطح متوسط

۱۸ عرب قلمرو زبانی

۱. الف) مخیله: خیال، قوه تخیل، ذهن / ب) سجایا: ج سجیه، خوی‌ها و عادت‌ها / پ) ترسیم: نشان گذاشتن، رسم کردن، نگاشتن / ت) صیغه: کتاب / ث) تسکین: آرام کردن، ساکن کردن، آرامش بخشیدن / ج) ستبر: درشت، کلفت
۲. الف) غرض: غرض / غرس / ب) مسبب: مصیبت / پ) تهریر: تحریر / ت) طرئ: ترنم / ث) مغهور: مقهور / رصا: رصا
۳. الف) ترداد / ب) پیر، کهنسال / پ) رعب انگیز
۴. الف) عطف / ب) پیوند وابسته ساز
۵. کرسی: صندلی
۶. خموش: خاموش
۷. نخستین بار / نام زیبای تو
۸. لیکن: پیوند هم پایه ساز
۹. هیچ: صفت مبهم / کس: هسته
۱۰. کدخدا و مأمور نامه رسانی: نهاد / افسرده و دل مرده: مسند

۱۹ قلمرو ادبی

۱۱. دل به دریا زدن: کنایه / با لطف و نرمی گفت: حس آمیزی
۱۲. استعاره
۱۳. تشبیه (سرمشق به پرچم)
۱۴. رنگ پریده: کنایه از ناراحت، هراسان و...
۱۵. کنایه
۱۶. صفحهٔ ضمیر
۱۷. الف) استعاره / ب) حس آمیزی / پ) حس آمیزی / ت) مجاز

۲۰ قلمرو فکری

۱۸. الف) تا زمانی که زبان ملی خود را حفظ کنند. / ب) زیرا تنها روزی بود که درس را با علاقه گوش می‌کرد. / پ) از اینکه گاهی خودش بخاطر تفریح یا شکار در تدریسش کم کاری کرده بو و والدین برای کسب درآمد، بچه‌ها را از تحصیل محروم کرده بودند. / ت) در صورتی که زبان ملی کشورشان را حفظ کنند.
۱۹. وقتی وارد کلاس شدم و ترس و نگرانی‌ام از میان رفت و به آرامش رسیدم، دریافتم که معلم لباس کهنهٔ همیشگی را بر تن ندارد.
۲۰. ۱- صادق بودن در راه عشق (اتحاد و یکی شدن عاشق و معشوق) ۲- محو شدن در وجود معبود ۳- همواره جوان و زیبا دیدن معشوق و بی‌توجهی به

به دشمن) / ب) ای محبوب من، خندهٔ تو مانند گلی است که در لحظات سخت و دشوار زندگی من شکوفا می‌شود و آن را به شادی بدل می‌کند. / پ) خندهٔ تو از اصلی ترین عوامل حیات (مثل هوا و نان) برای من ضروری تر است. به عبارتی دیگر: لبخند تو برای من مایهٔ حیات است. عشق و پاکی را از من مگیر، من از جنگی سخت و دشوار باز می‌گردم با چشمانی خسته که همهٔ غم و شادی دنیا را در سفرها بدون هیچ گونه تغییری تجربه کرده است. / ت) کنار گذاشتن بلندپروازی و محدودیت انسان از درک جهان بی‌پایان.

پاسخنامه تشریحی سطح دشوار

۱۷ عرب قلمرو زبانی

۱. الف) کران: کنار، طرف، حد، پایان / ب) تبسم: لبخند زدن / پ) اکتفا: کفایت کردن، بسنده بودن / ت) سرحد: مرز، کرانه / ث) دستاورد: نتیجه، پیامد، حاصل آنچه با تلاش به دست آید. / ج) لنگر: آلتی آهنی که به طنابی دراز متصل است و چون خواهند کشتی را به آب اندازند و هنگام به حرکت درآوردن آن را از آب برگیرند
۲. الف) درخشنده‌گی: درخشندگی / ب) می‌گزاری: می‌گذاری / پ) قایی: غایی / ت) رهگزری: رهگذری / ث) زی حیاتی: ذی حیاتی / ج) عیام: ایام
۳. الف) تضمّن / ب) حد، پایان، انتها، ساحل
۴. نبردی سخت / چشمان خسته / بی‌هیچ دگرگونی
۵. «را» مفعولی / «که» پیوند وابسته‌ساز
۶. عشق من: منادا / جاری: مسند
۷. خنده تو، دستان من: ترکیب اضافی / شمشیر آخته: ترکیب وصفی
۸. الف) معادل معنایی واژهٔ آخته: بیرون کشیده، برافراشته، برآورده، کشیده / ب) افلاک: آسمان ها، سپهرها
۹. بهاران: زمان / گیلان: مکان / کوهان: شباهت / خندان: صفت فاعلی

۱۸ قلمرو ادبی

۱۰. الف) فکر به عقاب تشبیه شده، خیال به کشتی / ب) پارادوکس
۱۱. الف) خنده به گل تشبیه شده / ب) گل سرخ نماد عشق، سوسن نماد پاکی
۱۲. خنده: استعاره / در: استعاره
۱۳. نان: روزی، خوراک / هوا: زندگی / خنده: شادی / گل سرخ: عشق
۱۴. بال‌های باد: استعاره / دریای بی‌کران: استعاره

۱۹ قلمرو فکری

۱۵. الف) شاعر با تجربه است. / ب) دشواری های زندگی
۱۶. فعالیت‌های سیاسی و مبارزهٔ او
۱۷. ۱- شادی تو مایهٔ حیات من است ۲- یعنی همه ایام ۳- یعنی در همه احوال ۴- زیرا معتقد است که مسافره عالمی بی‌پایان و بی‌حد و کران قدم می‌گذارد.
۱۸. در هر دو سروده تأکید شاعر بر شاد بودن و پرهیز از غم و اندوه است.

ضعف و پیری و به طور کلی ظاهر معشوق ۴- همواره عشق ازلی و واقعی را موضوع اصلی سخن خود قرار دهد.

۲۱. این دعا و ذکر را که «تو متعلق به من هستی و من متعلق به تو»

۲۲. همه آن چه را که باید برای ابراز عشقم به تو بیان می‌کردم، گفته‌ام و چیزی باقی نمانده است

۲۳. جوان

۲۴. زاویه دید در این درس، اول شخص است. راوی، یکی از شخصیت‌های این داستان است که خود، وقایع را دیده و تجربه کرده، سپس آنچه می‌بیند را روایت می‌کند.

۲۵. حفظ فرهنگ کهن و زبان سرزمین نیاکان که رمز هویت ملی هر کشور است.

۲۶. الف) آن آگهی را که روی دیوار گذاشته بودند. / ب) به قدر کافی تنبیه شده‌ای.



پاسخنامه تشریحی سطر هشتم

قلمرو زبانی

۱. ژنده: کهنه / رعب انگیز: ترسناک / غرس: نشاندن و کاشتن درخت و گیاه/ اهتمام: کوشش، سعی، همت گماشتن / تلاوت: خواندن، قرائت کردن / ایهت: بزرگی و شکوه که سبب احترام یا ترس دیگران می‌شود.

۲. صتبر: سبتر/ مغبور: مقهور/ رخست: رخصت / اهتزاز: اهتزاز/ تنین: طنین/ دریقا: دریغا

۳. الف) ترادف / ب) یگانه، یکی/ پ) خشمگین

۴. عطف/پیوند

۵. افسرده: ساده / دل مرده: مرکب

۶. راه مدرسه در پیش(گرفتیم) با قرینه لفظی

۷. اسم، جمع آن صُحُف، به معنی نامه، کتاب، نوشته، رساله، دفتر، مصحف، ورق کاغذ (روی زمین، پوست روی مردم)

۸. ۳ تا

۹. عشق(محدوف)

۱۰. گشوده: مسند/ حروف و خطوط: متمم

۱۱. قدیمی

قلمرو ادبی

۱۲. الف) قلم: استعاره، تشخیص/ ب) جان صادق: استعاره مکنیه/

۱۳. حس آمیزی

۱۴. غرق در حیرت بودن: کنایه از در حیرت و شگفتی فرو رفتن / غرق شدن: کنایه از فرو رفتن در چیزی، محو شدن در چیزی، مجذوب شدن/ حیرت: استعاره مکنیه/ صدای گرم اما سخت: حس آمیزی

۱۵. کتاب‌ها به دوستان

۱۶. دل: مجاز از دهن

۱۷. دست زمان: اضافه استعاری، زمان: استعاره مکنیه و تشخیص، تشبیه

۱۸. استفهام انکاری

۱۹. خواب دیدن: کنایه از چه نقشه‌ای کشیده‌اند، چه حيله و چه تصمیمی گرفته‌اند / سرخویش گرفتن: کنایه از به دنبال کار خود رفتن

۲۰. الف) جراحات پیری: جراحات: استعاره از مشکلات یا علائم پیری/

ب) گرد و غبار پیری: گردو غبار: استعاره از علائم و نشانه‌های پیری/ عشق: محذوف (به پیری توجهی ندارد): استعاره مکنیه/ پ) صحیفه شعر: ترکیب اضافی، تشبیه

قلمرو فکری

۲۱. الف) آیا چیزی در اندیشه و خیال انسان وجود دارد که قلم بتواند آن را به نگارش درآورد، اما روح شاعرانه و راسنگوی من آن را برای تو بیان نکرده باشد (ابراز نکراده باشد) / ب) این دعا و ذکر را که «تو متعلق به من هستی و من متعلق به تو».

۲۲. زادگاه و میهن.

۲۳. زاویه دید در این درس، اول شخص است. راوی، یکی از شخصیت‌های این داستان است که خود، وقایع را دیده و تجربه کرده، سپس آنچه می‌بیند را روایت می‌کند.

۲۴. حفظ فرهنگ کهن و زبان سرزمین نیاکان که رمز هویت ملی هر کشور است.

۲۵. ۱- صادق بودن در راه عشق ۲- اتحاد و یکی شدن عاشق و معشوق (محو شدن در وجود معبود) ۳- همواره جوان و زیبا دیدن معشوق و بی‌توجهی به ضعف و پیری و به طور کلی ظاهر معشوق ۴- همواره عشق ازلی و واقعی را موضوع اصلی سخن خود قرار دهد.

۲۶. هر روز باید ذکر ی واحد را مکرر بخوانم.

۲۷. بدبختی ما این است که همیشه آموختن را به روز دیگر وامی گذاریم

۲۸. خواندن و نوشتن به زبان ملی.

۲۹. الف) دقیقاً مانند وقتی که برای اولین بار، اسم زیبای تو را خواندم. این گونه است که عشق همیشگی و ابدی، همواره معشوق خود را جوان و تازه و با طراوت می‌بیند و گذر زمان و قدیمی بودن را در آن احساس نمی‌کند. / ب) و نخستین احساس عاشقانه خود را در جایی جست و جو می‌کند که موطن (زاده) اوست. جایی که شاید اکنون، روزگار آن را مرده نشان دهد / پ) به اندازه کافی آگاه شده‌ای. / والدین در تربیت و آموزش شما آن‌قدری که لازم بوده است تلاش نکرده‌اند.